



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوری مفیدی

تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۶ محرم الحرام ۱۴۳۴

جلسه: ۱۰

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: ادله تحریف - روایات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در ادله تحریف قرآن بود، عرض کردیم به چند دلیل برای اثبات تحریف در قرآن استدلال شده که چون به خاطر تعطیلات دهه اول محرم بین مطالب فاصله افتاده اجماًلاً به مباحث گذشته اشاره‌ای می‌کنیم. دلیل اول و دوم و سوم تحریف مورد بررسی قرار گرفت، دلیل چهارم روایات بود که به چند طائفه از روایات برای اثبات تحریف استناد شده که تا اینجا ما دو طائفه را مورد بررسی قرار دادیم، طائفه اول روایاتی بود که در آنها به صراحت الفاظ تغییر و تحریف و تبدیل ذکر شده بود و از آنها استفاده می‌شد که در قرآن تحریف و تغییر صورت گرفته است، طائفه دوم روایاتی است که دلالت می‌کند بر اینکه در برخی از آیات نام امیرالمؤمنین (ع) و سایر ائمه (ع) ذکر شده که در قرآن فعلی مشاهده نمی‌شود، این روایات هم مبتلا به اشکال است که به دو اشکال اشاره کردیم؛ اشکال اول این بود که بعضی از این روایات مشکل سندی دارند، اشکال دوم هم این بود که دلالت کثیری از روایات طائفه دوم بر مدعا مخدوش است چون اساساً بسیاری از روایات این طائفه دلالت بر اینکه نام امیرالمؤمنین (ع) به صراحت در کتاب ذکر شده ندارند، مسئله این است که اشتغال بعضی از آیات بر مطالب و فضائل که اکمل و اتم مصادیق آن علی (ع) و اولاد او می‌باشند و یا حتی مصداق منحصرش این بزرگواران باشند غیر از تصریح به نام امیرالمؤمنین (ع) در آیات قرآنی است، اگر این روایات دلالت بر اشتغال بر نام علی (ع) و اولاد او دارند به معنای ذکر صریح اسامی آنها در قرآن نیست بلکه منظور این است که عناوینی وارد شده که فقط بر آنها منطبق است یا آنها اتم و اکمل مصادیق آن عناوین می‌باشند.

### اشکال سوم:

روایات متواتره‌ای که دلالت می‌کند بر عرضه کردن روایات به قرآن به این مضمون که می‌فرمایند باید روایات وارد از ما به قرآن عرضه شود و آنچه را که با کتاب مخالف است طرح شود و اینها زخرف و باطل است و در بعضی از این روایات تعبیر فاضربه علی الجدار آمده است؛ معنای این سخن این است که ما هیچ وقت سخن و گفته‌ای را نداریم که مخالف با قرآن باشد لذا اگر روایتی مخالف با کتاب بود قطعاً باطل و مطروح است و طائفه دوم از روایات مخالف با نص از آیاتی از قرآن است مثل: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» لذا باید این روایات را کنار گذاشت چون وقتی بر کتاب عرضه می‌شود می‌بینیم که با کتاب مخالف است لذا باید کنار گذاشته شود.

## اشکال چهارم:

اشکال دیگر معارضه این طائفه از روایات با برخی روایات دیگر است یعنی اگر روایاتی داریم که دلالت بر حذف نام اهل بیت(ع) می‌کند در مقابل روایاتی هم داریم که این مطلب را نفی کرده از جمله روایتی که از ابی بصیر نقل شده که می‌گوید: سئلت أبا عبد الله(ع) عن قوله تعالى «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» قال: فقال: نزلت فی علی بن ابیطالب(ع) و الحسن(ع) و الحسين(ع) فقلت له: ان الناس يقولون فما له لم یسم علیاً(ع) و اهل بیته(ع) فی کتاب الله قال: فقولوا لهم ان رسول الله(ص) نزلت علیه الصلوة و لم یسم الله لهم ثلاثاً و لا اربعاً حتی کان رسول الله(ص) هو الذی فسّر ذلك لهم...»<sup>۱</sup> بر طبق این روایت ابو بصیر می‌گوید من از امام صادق(ع) از این آیه سؤال کردم که منظور از اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم چیست، امام(ع) می‌فرماید: اولی الامر درباره علی بن ابیطالب(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نازل شده بعد ابو بصیر می‌گوید من از امام(ع) سؤال کردم مردم می‌گویند پس چرا نام علی(ع) و اهل بیتش در کتاب خدا ذکر نشده است؟ امام(ع) فرمودند: به آنها پاسخ بده که در کتاب خدا مطالب زیادی ذکر نشده مثلاً در مورد اصل وجوب صلوة در قرآن آیاتی آمده و بر رسول خدا نازل شده لکن خداوند متعال در قرآن تعداد رکعات نماز را نفرموده است تا اینکه خود رسول خدا تعداد رکعات را برای مردم ذکر کرده است و این نشان می‌دهد عدم اشتمال قرآن بر نام علی(ع) و اولادش مفروغٌ عنه بوده و هدف سؤال کننده این بوده که چرا در قرآن نام علی(ع) و اولادش ذکر نشده یعنی سؤال از وجه عدم ذکر نام علی(ع) و اولاد او در قرآن است پس این روایات معارض با روایات طائفه دوم است چون بر طبق آن روایات، نام علی(ع) و اولاد او در قرآن ذکر شده ولی آنچه از این روایت بدست می‌آید این است که نام علی(ع) و اولادش در قرآن نیامده است و سند این روایت هم صحیح می‌باشد.

به نظر می‌رسد در مقام معارضه این روایت با روایات طائفه دوم، روایت ابو بصیر حاکم بر روایات طائفه دوم است چون در مقام تفسیر روایات طائفه دوم است و توضیح می‌دهد که غرض از اینکه قرآن مشتمل بر نام علی(ع) و اولاد اوست این است که در مقام تفسیر و تأویل و تطبیق می‌توان گفت قرآن مشتمل بر نام اهل بیت(ع) است نه اینکه منظور این باشد که نام آنها در قرآن آمده و نتیجه گرفته شود که اکنون که در قرآن موجود نام آنها نیست دلیل بر این است که نام آنها از قرآن حذف شده است. پس قرآن هم مشتمل بر نام علی(ع) و اولاد او می‌باشد و هم مشتمل بر اسامی آنها نیست، مشتمل نیست به این معنی که به صراحت نام آنها ذکر نشده و مشتمل است به این اعتبار که عناوین و مفاهیمی ذکر شده که فقط بر علی(ع) و اولاد او قابل انطباق است بنابراین طائفه دوم از روایات هم دلالت بر مدعا ندارد.

## طائفه سوم:

روایاتی که دلالت بر اختلاف عدد آیات کتاب می‌کند و اینکه مثلاً مجموع آیات قرآن بیش از عدد آیات قرآن موجود است یا مثلاً عدد آیات فلان سوره بیش از مقداری است که اکنون در قرآن به عنوان عدد آیات آن سوره شمرده شده است. این

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۶، کتاب الحجة، باب ۶۴، حدیث ۱.

طائفه در واقع دو قسم اند؛ یک قسم روایاتی است که دلالت می‌کند بر اینکه مجموع آیات قرآنی بیش از عدد آیات قرآن موجود است از جمله این روایت که در کافی آمده است؛ عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله(ع): «إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرَائِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ(ص) سَبْعَةَ عَشَرَ آيَةً»<sup>۱</sup> قرآنی که جبرائیل آن را برای پیامبر(ص) آورد مشتمل بر ۷۰۰۰ آیه است در حالی که قرآن موجود ۶۲۳۲ آیه دارد.

از قسم دوم یعنی آیات یک سوره بخصوص هم روایتی است که در آن آمده: اُبی به شخصی گفت: «كَمْ تَقْرَأُونَ الْأَحْزَابَ؟ قَالَ: بَعْضًا وَسَبْعِينَ آيَةً، قَالَ: وَ قَدْ قَرَأْتَهَا وَ نَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ(ص) أَطْوَلُ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ»<sup>۲</sup> سوره احزاب را چند آیه قرائت می‌کنی؟ گفت: حدود هفتاد و چند آیه، گفت: ما در زمان رسول اکرم(ص) سوره احزاب را می‌خواندیم در حالی که از سوره بقره هم طولانی‌تر بود. این روایت را طبرسی هم در مجمع البیان نقل کرده است. پس هر دو قسم از این روایات دلالت می‌کند بر اینکه یا آیات کل قرآن بیشتر از قرآن فعلی بوده و یا حداقل یک سوره از سور قرآن آیاتش بیشتر از آنچه بوده که در قرآن موجود می‌باشد و لازمه این روایات تحریف به نقیصه در قرآن است یعنی قرآن موجود از قرآن واقعی مجموعاً و یا حداقل در مورد بعضی سور کمتر است.

#### بررسی طائفه سوم روایات:

این طائفه هم دلالت بر مدعا ندارد و پاسخ به این طائفه هم تقریباً شبیه همان پاسخی است که ما به طائفه قبلی دادیم و آن اینک:

**اولاً:** این روایات بنا بر روایات عرض اخبار به کتاب باید کنار گذاشته شود چون اگر روایتی مخالف با کتاب بود زخرف و باطل است و به این معنی است که از معصومین(ع) صادر نشده است و مضمون این طائفه از روایات هم مثل طائفه دوم دلالت می‌کند بر چیزی که با نص کتاب منافات دارد و لذا باید به فرمایش خود ائمه(ع) از این روایات اعراض کرد و آنها را کنار گذاشت چون زخرف و باطل اند.

**ثانیاً:** این روایات معارض دارد یعنی روایاتی داریم که دلالت می‌کند بر اینکه عدد آیات قرآن به تعداد آیات قرآن موجود است از جمله این روایت: عن علی بن ابیطالب(ع) انه قال: «سئلت النبی(ص) عن ثواب القرآن، فأخبرني بثواب سورة سورة علی نحو ما نزلت من السماء... ثم قال النبی(ص) جميع سور القرآن مائة و اربع عشر سورة و جميع آیات القرآن ستة آلاف آية و مائة آية و ست و ثلاثون آية و جميع حروف القرآن ثلاث مائة الف و واحد و عشرون الف و مائة و خمسون حرفاً»<sup>۳</sup> امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: من از پیامبر(ص) در مورد ثواب قرآن سؤال کردم که برای ما ثواب هر سوره‌ای از سور قرآن را به همان نحوی که از آسمان نازل شده بیان فرمایید، پیامبر در ادامه فرمودند جميع سوره‌های قرآن ۱۱۴ سوره است و جميع آیات قرآن ۶۲۳۶ آیه است و جميع حروف قرآن ۳۲۱۲۵۰ حرف می‌باشد، این روایت معارض با روایات طائفه سوم است

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۳۴، کتاب فضل القرآن، باب النوادر، حدیث ۲۸.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

چون منطبق بر قرآن موجود است لذا روایات طائفه سوم دلالت بر تحریف ندارد. اینکه چگونه بین این روایت و طائفه سوم جمع می‌شود بحث دیگری است ولی حداقل این است که روایات طائفه سوم دلالت بر وقوع تحریف به تقیصه در قرآن موجود ندارد.

**بحث جلسه آینده:** دو طائفه دیگر از روایات باقی مانده که انشاء الله آنها را در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»